

بررسی نقش جنسیت و اشتغال در رابطه میان بحران وجودی و امید به زندگی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی

سید محمد حسینی^۱

سید محمد کلانتر کوشه^۲

امید میرزایی فندخت^۳

تاریخ پذیرش: ۹۳/۸/۸

تاریخ وصول: ۹۲/۱۰/۲۵

چکیده

هدف: این پژوهش در جهت بررسی اشتغال در رابطه میان بحران وجودی و امید به زندگی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی انجام گرفت. روش: تحقیق حاضر از نوع توصیفی- همبستگی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش را دو گروه دختر و پسر شاغل و غیر شاغل که در دوره کارشناسی ارشد در این دانشگاه مشغول به تحصیل بوده‌اند تشکیل دادند، در نمونه‌ای متشکل از ۲۰۰ آزمودنی شامل ۱۱۸ نفر دختر و ۹۲ نفر پسر بودند که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های امید به زندگی (سیمپسون)، و پرسشنامه بحران وجودی (احمدی و دسغیب) استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از آزمون همبستگی پیرسون به منظور ارتباط بین متغیرها، و آزمون Z برای نشان دادن نقش واسطه‌ای جنسیت استفاده شد. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد بین بحران وجودی و امیدواری در زندگی بین دختران و پسران رابطه معناداری وجود دارد ($\text{Sig. } p < .0/01$). نتایج آزمون Z نیز نشان داد

۱- دانشجوی کارشناسی کارشناس ارشد مشاوره توانبخشی دانشگاه علامه طباطبائی M_hosseini2013@yahoo.com

۲- عضو هیئت علمی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی

۳- دانشجوی کارشناسی کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی

که جنسیت افراد در ارتباط بین بحران وجودی و امید به زندگی انتخاب و نگرش آنان به شغل تأثیر ندارد. اما در وضعیت اشتغال مؤثر است. نتیجه‌گیری: بین بحران وجودی و امیدواری به زندگی افراد ارتباط معناداری وجود دارد و این عوامل در شاغل و غیر شاغل بودن افراد مؤثر می‌باشند. **واژگان کلیدی:** اشتغال، امید به زندگی، بحران وجودی، دانشجویان، جنسیت.

مقدمه

منابع انسانی از مهمترین عوامل مؤثر در توسعه هر جامعه به شمار می‌رود که در این راستا افراد تحصیل کرده و متخصص نقش مهمتری را بر عهده دارند. بر این اساس، اشتغال^۱ دانش‌آموختگان یکی از مسائلی است که همواره مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاستگذاران کشورهای مختلف بوده است. این توجه به لحاظ اهمیت بازار کار به عنوان مرکز ثقل اقتصادی و اجتماعی و هم به لحاظ نقش‌های اجتماعی می‌باشد که به افراد دانش‌آموخته برای نیل به اهداف توسعه کشور محول می‌شود (ذوالفقاری، ۱۳۸۴).

بیکاری دانش‌آموختگان در جامعه کنونی ایران به عنوان یک معضل به شمار می‌آید که می‌شوند که پس از مدتی فارغ‌التحصیل شده و به سوی بازار کار روانه می‌شوند. این در شرایطی است که رشد اقتصادی و ظرفیت اشتغال زایی جامعه به نظر متناسب با رشد دانش‌آموختگان نمی‌باشد.

به علاوه، مشکلات اقتصادی و فقر مادی دانشجویی یکی از عوامل بسیار مهم در افت تحصیلی او محسوب می‌شود. وقتی که کم‌ترین‌های زندگی دانشجویی تامین نشود، دانشجویی به هر روز نیز جنبه حادثتری به خود می‌گیرد. هر ساله تعداد زیادی از افراد وارد نظام آموزشی عالی مشاغل جانبی می‌پردازد تا خود و خانواده‌اش را اداره کند. در چنین صورتی فرصت کمتری

1. Occupation

خواهد داشت تا به مطالعه دروس تحصیلی خود پردازد و دچار خستگی جسمی و روحی شده و فراگیری او کاهش می‌یابد که در نتیجه به افت تحصیلی وی منجر خواهد شد (قوام، ملک پور و ایمانی، ۱۳۸۳) دانشگاه‌ها هم در ایجاد این نگرانی‌ها بی‌تقصیر نیستند. محققان به این نتیجه رسیده‌اند که دانشگاه‌ها وظایف خود را در زمینه اشتغال به خوبی انجام نداده‌اند (قریشی، ۱۳۸۷). طوری که هم اکنون مشکلات فارغ التحصیلان دانشگاهی برای اشتغال به صورت مشهودی نمایان است. در تشریح این ساختار پیچیده کارشناسان امور اقتصادی و مسایل آموزشی از اصطلاح رکود تورمی آموزشی کمک می‌گیرند. قریشی (۱۳۸۷) معتقد است که رکود اشتغال و تورم آموزشی را باید درنابسامانی نظام آموزشی و مثرثمر نبودن برنامه ریزی انسانی، که در آن تقاضای شغل بیش از عرضه آن است جستجو کرد که در نتیجه این عدم تعادل به صورت بیماری پنهان و آشکار ظاهر می‌گردد.

با این که بنظر می‌رسد اشتغال می‌تواند باعث خستگی روحی و جسمی دانشجو می‌شود و زمان مطالعه و استراحت و فعالیت‌های علمی آنان را کاهش دهد، از طرفی نیز به نظر می‌رسد که در موفقیت‌های آنان اثرگذار باشد (قوام و همکاران، ۱۳۸۳). انتخاب شغل و حرفه و نگرش انسان به این فرایند نمی‌تواند جدا از مسایل وجودی^۱ او باشد و نمی‌توان کار و حرفه را جدا از (خود)^۲ وجودی فرد در نظر گرفت. به اعتقاد مک میلان^۳ (۲۰۰۹) نیز ارتباط شکل‌گیری خود و حرفه‌ای که شخص برای خود بر می‌گزیند به خوبی مشهود است.

تحقیقات زیادی در مورد معنایی در کار در بیشتر حوزه‌ها و رشته‌ها انجام شده است. اکثر تحقیقات مذکور تمرکزشان بر معنادهی و نشان دادن کار در جایگاه خود و درک افراد از معنای کار و اشتغال و تغییر مفهوم کار در بین فرهنگ‌ها، سازمان‌ها و اشخاص می‌گذارند.

1. Existential Issue
2. Self
3. MacMillan

محققان سازمانی علاقه‌ای وافر به ارتباط بین پیامدهای شخصی و سازمانی که با ادراک فرد از معنا و معنایابی در کار استنباط می‌شود دارند (مایلس^۱، ۲۰۱۱).

عواملی از قبیل معنایابی در کار و ارتباط کار و اشتغال با خود وجودی در زندگی افراد چه مرد و چه زن سؤالاتی را در ذهن بر می‌انگیزد، سؤالاتی این چنین که چه چیزی باعث می‌شود که کار و شغل معنا پیدا کند؟ چرا کار برای افراد مختلف معنای متفاوت دارد؟ چه قدر امکان دارد که افراد کار و شغل مطابق با ایده، افکار و احساسات خود پیدا کنند؟ سؤالاتی در مورد اینکه چگونه افراد معنایابی را در کارشان احساس می‌کنند سؤالات اساسی در فلسفه وجودی می‌باشد (بریف^۲، ۲۰۰۸). این سؤالات، متخصصان مختلف از جمله روانشناسان و جامعه‌شناسان را بر آن داشته است که کار و شغل را به عنوان حوزه‌ای اساسی و مهم در زندگی افراد از دیدگاه وجودی فرد در نظر بگیرند و چه بسا که اشتغال افراد ریشه در فلسفه وجودی زندگی او نیز داشته باشد (راپورت و بایلین^۳، ۱۹۹۸). سؤالات وجودی به طور ذاتی با هویت شخص و بازتابهایی که از فرایند شکل‌گیری هویتش دریافت می‌کند مرتبط است. سؤالات وجودی را به عنوان سؤالات اساسی که درباره شرایط اساسی زندگی و وجود انسان و بیان نیازهای فرد در فرایند تجربه‌اش و تجربه‌هایی که در ارتباط با محیط دارد تعریف کرده‌اند. این نیاز از تمایل به تفسیر و درک کامل پیدا کردن یک معنی و هدف در زندگی ناشی می‌شود (هارتمن، ۲۰۱۲).

داشتن هدف و معنا در زندگی باعث می‌شود که نسبت به اهدافمان دید روشنی داشته باشیم و این گرایش را در خودمان ایجاد کنیم که اهداف قابل دستیابی است (سو، چن، یانگ و هانگ^۴، ۲۰۰۶). بامیستر^۵ (۲۰۰۲) معتقد است هنگامی فرد می‌تواند احساس کند از زندگی معناداری برخوردار است که چهار نیاز او به معناداری، ارضا شده باشد. این چهار نیاز عبارت‌اند

1. Miles
2. Brief
3. Rapaport & Bailyn
4. Su, Chen, Yang & Hung
5. Baumeister

از: (۱) هدفمند بودن جهت زندگی؛ (۲) احساس کارایی و متعهد بودن به یک حرفه؛ (۳) بر خور دار بودن از مجموعه ارزش‌هایی که بتواند به وسیله آنها کنش‌هایی را توجیه کند؛ و (۴) وجود یک مبنای با ثبات و استوار برای داشتن نوعی حس مثبت خود ارزشمندی. به علاوه، معنایی را می‌توان به عنوان یک سائق اساسی برای انسان در نظر گرفت، در صورتی که این نیاز (سائق) پس راننده شود فرد دچار بحران وجودی می‌شود (رانست^۱ و مارکون^۲، ۱۹۹۶).

جبر محیطی، مسئولیت‌های اجباری، زندگی یکنواخت و تکراری با دور شدن از بعد معنوی و ارزشی شخصیت، انسان عصر ما را از درون تهی می‌کند و باعث می‌شود که انسان‌های امروزی در تب و تاب داغ، مبهم و اسرار آمیز قرار گرفته که ویژگی بارز آن تنهایی، سرگردانی، بی مصرفی، بیهودگی و داشتن یک گم شده است (فرانکل^۳، ترجمه تبریزی ۱۳۸۷). این انسان‌ها از اینکه موجودی در حال رشد، پویا و خودمختار و ارزشمند هستند بی اطلاع اند و در نتیجه دچار بحران و جودی هستند. انسانی که قادر نیست در زندگی معنا و هدف بیابد و مبتلا به ناتوانی وجودی است و نگرانی اصلی او احساس پوچی و بی‌معنایی و تهی بودن است از نظر فرانکل دچار خلأ وجودی شده است (فرانکل، ترجمه تبریزی، ۱۳۸۷). فردی که زندگی را پوچ و بی‌معنی می‌داند آن را همراه با انواع رنج‌ها و دردها و ناکامی‌ها می‌یابد که برای فرار از آن مجبور به توسل به راه‌هایی است تا به طور موقت او را از تنش‌هایی بخشد و شاید این راه‌ها او را در پوچی بیشتر غرق کند. زمانی که فردی به پایان زندگی می‌اندیشد و آینده را تاریک و مبهم دیده از آن هراسان می‌شود، ناراحتی‌های روحی و جسمی در او پدید می‌آید. یا به عبارت دیگر هنگامی که انسان در پی یافتن سؤال‌هایی برای معنا و هدف در زندگی‌اش است و از این ارزش‌ها ناکام می‌ماند به نوعی دچار یک نوع خلأ و بحران وجودی می‌شود (جیمز^۴، ۲۰۰۵).

1. Ranst, N
 2. Marcoen
 3. Frankle
 4. James

نسل جوان نیز به علت دوری‌گزینی و به تدریج جداشدن از سنت و ارزش‌ها، نسبت به افراد سالخورده و مسن خلا و بحران وجودی بیشتری را تجربه می‌کنند (فرانکل، ترجمه معارفی، ۱۳۷۵).

معنایابی در کار برای محققان سازمانی موضوع فراتر از احساس و ایده‌های رایج است و آن‌ها این مسئله را به فراتر از لذت و سرخوشی موقت در نظر می‌گیرند و آن‌را برای رفاه و مخصوصاً امیدواری در زندگی انسان مناسب می‌دانند (رایان، دسی، گروولنیک، ۱۹۹۵). در تحقیقات نیز نشان داده شده است که امید به زندگی بالا می‌تواند مسیری برای زندگی مناسب‌تر باشد و نیز این مهم راهی برای رویارویی با ناملايمات و سختی‌های زندگی فراهم آورد (چیمیک و نکولایچاک^۱، ۲۰۰۴).

دیگر مؤلفه مطرح در تحقیق حاضر امید به زندگی است. امید یک منبع قدرتمند برای زندگی و یک نوع بازیابی و دوباره تولد یافتن محسوب می‌شود که برای انسان بسیار ضروری می‌نماید. امید به معنی یک نوع پیش‌بینی که با میل و انتظارات مثبت آینده، و نیز پویا و غیر قابل پیش‌بینی است که می‌تواند در واکنش به موقعیت‌های زندگی تغییر کند (سو^۲ و همکاران، ۲۰۰۵). اشنایدر^۳ (۲۰۰۰) امید را به عنوان ظرفیت و توانایی ادراک از طریق مشتق ساختن راه‌ها برای رسیدن به اهداف مورد نظر تعریف می‌کند که برای شخص انگیزه می‌سازد تا با استفاده از این ادراک به تغییرات مورد نظر دست پیدا کند. افراد دارای امید بالا، معمولاً به دنبال اهدافی هستند که دارای میزانی از عدم قطعیت و سطح دشواری متوسط باشند (اشنایدر، ۱۹۹۴). در تحقیقاتی که در محیط‌های دانشگاهی نیز که انجام شده است نقش امید به زندگی برای انگیزه دانشجویان بسیار مهم تلقی شده است. برای مثال: اشنایدر (۲۰۰۰) نشان داد دانشجویانی که بعد از دوره لیسانس امتیاز بالاتری در مقیاس امید گرفتند مهارت سازگاری بهتری داشتند و راهبردهای بهتری را برای دوره‌های تحصیلات انتخاب می‌کنند و در کل به آینده کاری خود

1. Chimick & Nekolaichak

2. Sue

3. Snyder

با دید مثبتی می‌نگرند. بنابراین امید به عنوان یک عنصر مراقبت کننده و یک نیروی محرک درونی و ذاتی انسان در نظر گرفته می‌شود. در زمینه امیدواری، با انجام تحقیقی که در بین دانشجویان دانشگاه انجام گرفت، نشان داده شد که معنای وجودی نقش بسیار مهمی در افزایش امیدواری دارد (مارکون^۱، ۲۰۰۵). به علاوه، این تحقیق بیان داشت که معنای وجودی در پیش‌گیری از بروز نشانه‌های افسردگی نقش مهمی ایفا می‌کند (مارکون، ۲۰۰۵). نتایج پژوهشی دیگر نشان داده که بین معنای زندگی و امیدواری ارتباط معناداری وجود دارد (بهروزی و محمدی، ۱۳۸۶).

در تحقیقاتی که توسط محققان مختلف در رابطه با امیدواری انجام گرفت ارتباطات قوی بین معنویت و شادی (گالوپ^۲، ۱۹۸۴)، رضایت از زندگی (پولوما^۳ و پندلتون^۴، ۱۹۹۰)، احساس رفاه، سرخوشی و امیدواری (دینر^۵ و اسمیت^۶، ۱۹۹۹) و کار یا حرفه با امیدواری در زندگی (برنت^۷، روسو^۸ و دکاس^۸، ۲۰۱۰). پیدا شد. در تحقیقی که نقش عواملی چون: آموزش و اشتغال بر میزان امید به زندگی افراد در نظر گرفته شد، نتایج حاکی از این بود که آموزش صحیح و منظم و همچنین شاغل بودن افراد در میزان امید به زندگی آنها تأثیر به‌سزایی دارد و کسانی که از اشتغال مناسب و آموزش درست برخوردار بودند امید به زندگی بالاتری داشتند و بر عکس افرادی که بیکار بودند و نیز آموزش منظمی به آنها داده نشده بود امید به زندگی بسیار کمی داشتند (ولکانوو^۹ و پکا^{۱۰}، ۲۰۰۶).

-
1. Marcon
 2. Gallup
 3. Pooloma
 4. Pendletoon
 5. Diner
 6. Smith
 7. Brent
 8. Rosu
 9. Volkanoo
 10. Peka

همچنین نتایج تحقیقاتی نشان داد که نگرانی‌های اضطراب وجودی یک ساختار عامل منسجم نظری رایج در بین جوانان دارد که با علایم و نشانه‌های روانشناختی و به همان اندازه با هویت مشارکت دارد (استفان و همکاران، ۲۰۰۶).

از سوی دیگر جنسیت افراد به عنوان عامل مهمی محسوب می‌شود که مهم است به آن پرداخته شود. تحقیقات متعددی که بین جنسیت افراد صورت گرفته است، از نقطه نظرهای مختلف تفاوت‌هایی را در این موضوع نشان داده‌اند. این تفاوت‌ها یکی از موضوعات مهم و قابل بحث در عرصه‌های مختلف است. متون دینی نیز گرچه در مواردی از برابری مرد و زن سخن می‌گویند اما تفاوت‌های جنستی نیز در چنین متونی هویدا است. علاوه بر این، مطالعات روانشناختی تفاوت‌های جنستی بین افراد را نیز تأیید می‌کنند (کلانتر کوشه، ۲۰۱۲). در تحقیقی که ویژگی‌های شخصیتی افراد مورد بررسی قرار گرفت، نتایج حاکی از این بود که مردان در میزان اعتماد به نفس و ابراز وجود نسبت به زنان برتری دارند و در مقابل زنان در میزان برونگرایی، اضطراب، اعتماد کردن به دیگران، خود کم بینی نسبت به مردان نمره‌های بالاتری گرفتند (فینگولد^۱، ۱۹۹۴). در تحقیقی دیگری که توسط کلانتر کوشه (۲۰۱۰) انجام گرفت و نقش جنسیت به منظور رابطه بین خود پذیری^۲ و خود مختاری^۳ در دانشجویان دختر و پسر به عنوان یک عامل واسطه‌ای در نظر گرفته شد نتایج حاکی از آن بود که گرچه خود مختاری بین دو گروه پسر و دختر یکسان است اما پسران دارای خود پذیری بالاتری هستند. این تفاوت‌های جنستی در نحوه انتخاب و نگرش افراد به پدیده اشتغال نیز مؤثر است و از تفاوت بارزی هم برخوردار می‌باشد.

علیرغم مطالعات مختلف که نشان می‌دهند زنان به لحاظ آمال، ارزش‌ها، مهارت‌ها و بازده همانند مردان هستند، لیکن به لحاظ استخدام و ترفیع شغلی با مردان همانند نیستند (اولسن^۴،

1. A Feingold
2. Self acceptance
3. Self autonomy
4. Olsen, D

مپل^۱ و استیج^۲، ۱۹۹۳). در پژوهشی دیگر که به مقایسه نگرش مردان و زنان پرداخته شد، نتایج حاکی از آن بود که جنسیت افراد تفاوتی در میزان نگرش به اشتغال ندارد، بدین صورت که در این مطالعه مردان دانشجوی، مدیر موفق را دارا بودن صفات مردانه می‌دانستند در حالی که زنان دانشجوی بدین صورت فکر نمی‌کردند (نوریس^۳ و وایلی^۴، ۱۹۹۵).

بنابراین، می‌توان به این نتیجه رسید که مسایل و جودی نقش بارز و مهمی در امیدواری انسان و نیز کار و انتخاب شغل او دارند. در این میان به ویژه باید به جوانان و نگرش آنها به مشاغل و انتخاب شغلشان توجه کافی را مبذول داشت. عوامل زیادی بر انتخاب شغل تأثیرگذارند و همان طور که پیشینه تحقیقات انجام شده نشان داد انتخاب شغل با خود وجودی و فردیت شخص رابطه تنگاتنگی دارد که اگر در این انتخاب موفق نباشد چه بسا که دچار خلا و بحران وجودی شود. همچنین شغل و کار خوب باعث به وجود آمدن معنای امیدواری در زندگی فرد می‌شود و متقابلاً امیدواری در زندگی به انتخاب شغل کمک میکند. با توجه به اینکه این نیاز اساسی در جامعه و به خصوص دانشگاه‌ها به ضرورت احساس می‌شود و نیز از طرفی دیگر به آنها کمک می‌کند که خود را کمتر در معرض آسیب‌های وجودی ببینند، این پژوهش در نظر دارد که به بررسی نقش جنسیت و اشتغال در رابطه میان بحران وجودی و امید به زندگی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی بپردازد و در پی یافتن این سؤال مهم است که آیا بین این مؤلفه‌ها ارتباط وجود دارد یا خیر؟

فرضیه‌های پژوهش

بین بحران وجودی و امید به زندگی دانشجویان شاغل و غیر شاغل ارتباط معنی دار وجود دارد.

-
1. Maple, S. A
 2. Stage
 3. Norris, J. M.,
 4. Wylie, A. M

۲. جنسیت به عنوان عامل تعدیل کننده بر ارتباط بین بحران و جودی و امید به زندگی تأثیر دارد.

۳. وضعیت اشتغال به عنوان عامل تعدیل کننده بر ارتباط بین بحران و جودی و امید به زندگی تأثیر دارد.

ابزار پژوهش

مقیاس امیدواری حوزه‌های خاص (سیمپسون^۱، ۱۹۹۹)

این مقیاس بر پایه کارهای اسنایدر در زمینه سنجش امیدواری ساخته شد. این مقیاس به طور اختصاصی تر شش حوزه‌ی اجتماعی، تحصیلی، خانوادگی^۲، اشتغال و فعالیت‌های اوقات فراغت را مورد سنجش قرار می‌دهد. ضریب آلفای این آزمون ۰/۹۵ و اعتبار ملاکی ۰/۳۷ است که در سطح (p ≤ ۰/۰۱) معنادار است. هزاروسی (۸۵) نیز در پژوهش خود که بر نمونه ایرانی انجام داد مقدار آلفا را ۰/۸۹ گزارش داد. در این پژوهش نیز مقدار آلفا ۰/۷۸ محاسبه شد.

مقیاس بحران و جودی احمدی دستغیب:

این آزمون توسط (احمدی و دستغیب، ۱۳۷۳) ساخته شده است. نقطه برش در این آزمون نمره ۱۹ محاسبه گردید. بنابراین کسانی که در این آزمون نمره ۱۹ و بالاتر کسب کنند، دچار بحران وجودی هستند. ضریب پایایی آزمون با استفاده از روش دو نیم کردن سؤالات برابر با ۰/۸۹ گزارش شده است. در این پژوهش نیز مقدار آلفا ۰/۸۶ به دست آمد.

جامعه آماری و روش نمونه گیری

پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان کارشناسی ارشد (سال تحصیلی ۹۲-۹۱) دانشگاه علامه طباطبایی تهران بودند. از ۲۰۰ نمونه‌ای

1. Simpson

2. Snyder

که انتخاب شد ۷۷ نفر (۳۹ درصد) افراد شاغل و ۱۲۲ نفر (۶۱ درصد) را افراد غیر شاغل تشکیل دادند که همگی به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند.

یافته‌ها

در این بخش یافته‌های پژوهش در دو بخش توصیفی و استنباطی تحلیل می‌شوند.

جدول ۱. آماره‌های توصیفی متغیرها به تفکیک گروه و وضعیت اشتغال

متغیر	گروه	وضعیت اشتغال	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	آلفای کرونباخ
بحران وجودی	پسر	شاغل	۳۷	۸/۹۱	۶/۷۱	۰/۸۶
		غیر شاغل	۵۵	۸/۷۶	۶/۵۹	
	دختر	شاغل	۴۱	۸/۵۸	۵/۲۱	۰/۸۶
		غیر شاغل	۶۷	۱۲/۲۲	۸/۴۳	
	کل		۲۰۰		۷/۲۱	۰/۸۶
امید به زندگی	پسر	شاغل	۳۷	۲۷۲/۰۰	۴۵/۷۰	۰/۷۶
		غیر شاغل	۵۵	۲۸۰/۷۶	۳۷/۲۲	
	دختر	شاغل	۴۱	۲۹۶/۰۷	۴۵/۶۵	۰/۷۹
		غیر شاغل	۶۷	۲۷۶/۶۵	۴۷/۲۸	
	کل		۲۰۰		۴۴/۵۲	۰/۷۸

طبق داده‌های جدول (۱) تعداد پسران شاغل ۳۷ نفر، پسران غیر شاغل ۵۵ نفر و نیز دختران شاغل ۴۱ نفر و غیر شاغل ۶۷ نفر بودند. همچنین آلفای کرونباخ برای متغیر بحران وجودی در پسران و دختران ۰/۸۶ برآورد شد. در متغیر امید به زندگی برای پسران ۰/۷۶ و برای دختران ۰/۷۹ و در کل ۰/۷۸ به دست آمد. در این پژوهش دانشجویان شاغل دارای مشاغل دولتی و آزاد بودند. از جمله این مشاغل می‌توان به این موارد اشاره کرد: مشاور کلینیک، معلم، مددکار اجتماعی، همچنین مشاغل تمام وقت و پاره وقت دیگر.

معناداری بر ارتباط بین بحران وجودی و امید به زندگی ندارد و بنابراین فرضیه دوم که بیان می‌کند «جنسیت به عنوان عامل واسطه‌ای بر ارتباط بین بحران وجودی و امید به زندگی تأثیر دارد» رد می‌شود. به دیگر بیان، جنسیت افراد تأثیری در میزان بحران وجودی و امید به زندگی شاغلین و غیر شاغلین ندارد. اما با توجه به میزان معناداری که برای متغیر تعدیل کننده وضعیت اشتغال (۰/۰۰۷) به دست آمد و چون این مقدار کمتر از سطح معناداری (۰/۰۵) است فرضیه سوم پژوهش که عبارت بود از این که وضعیت اشتغال به عنوان عامل تعدیل کننده بر ارتباط بین بحران وجودی و امید به زندگی تأثیر دارد با احتمال ۰/۹۵ تایید می‌شود. این بدان معنی است که وضعیت اشتغال به عنوان متغیر تعدیل کننده بر ارتباط بین بحران وجودی و امید واری به زندگی مؤثر بوده است.

بحث و نتیجه گیری

هدف مطالعه حاضر بررسی نقش جنسیت و اشتغال در رابطه میان بحران وجودی و امیدواری به زندگی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی تهران بوده است. یکی از نتایج این پژوهش این بود که بین بحران وجودی و امیدواری به زندگی رابطه معناداری وجود دارد. در تبیین این فرضیه می‌توان این گونه ادعان کرد به همان اندازه که افراد در معرض بحران و تهدیدهای وجودی قرار گیرند به همان اندازه نیز از میزان امید به زندگی آنها کم می‌شود و بالعکس. امید وار بودن به زندگی و آینده عامل مهمی محسوب می‌شود که انسان را وادار می‌کند به زندگی با کیفیت بهتر رو آورد. در چنین موقعیتی دیگر جایی برای تنهایی و انزوا و دیگر تهدیدهای وجودی باقی نمی‌ماند. این یافته پژوهش با پژوهش‌های پیشین در این زمینه و یا نزدیک به آن در یک راستا می‌باشند، از جمله در پژوهشی که توسط کلانترکوشه، حسینی، احمدزاده برای و برادری (۲۰۱۳) انجام دادند نتایج نشان داد که بین بحران وجودی و امید به زندگی رابطه منفی و معنادار وجود دارد و با افزایش امید به زندگی از میزان بحران وجودی کاسته می‌شود. همچنین در زمینه امیدواری، با انجام تحقیقی که بر روی دانشجویان دانشگاه انجام گرفت نشان داده شد

که معنای وجودی نقش بسیار مهمی در افزایش امیدواری دارد (مارکون، ۲۰۰۵). نتایج پژوهش بهروزی و محمدی (۱۳۸۶) نیز از ارتباط بین مولفه‌های وجودی و امید به زندگی حکایت دارد. از نتایج دیگر این پژوهش این بود که نشان داد، جنسیت نمی‌تواند به عنوان یک عامل واسطه‌ای تأثیری بر ارتباط بین بحران و وجودی و امیدواری در زندگی داشته باشد. از این یافته این گونه استنباط می‌گردد انسان چه مرد و چه زن هر لحظه این امکان برایش وجود دارد که در معرض تهدیدات وجودی قرار گیرد جنسیتی در این رابطه بارز نیست. امیدواری به زندگی نیز چه در مردان و چه در زنان مورد نیاز است و می‌توان با افزایش آن هردو جنس را از معرض تهدیدهای وجودی رهانید. مشابه با این یافته تحقیقی است که کلانترکوشه (۲۰۱۲) در زمینه نقش واسطه‌ای جنسیت انجام داد.

از دیگر نتایج پژوهش حاضر این بود که نشان داده شد وضعیت اشتغال بر ارتباط بین امید به زندگی و بحران وجودی مؤثر است. این یافته را نیز می‌توان این گونه تبیین کرد که اشتغال به عنوان هویتی که فرد برای خود بر می‌گزیند از اهمیت زیادی برخوردار است که اگر برآورده نشود می‌تواند پیامدهای ناگواری برای او داشته باشد. یکی از این پیامدها رو آوردن به انزوا و پوچی و دچار بحران شدن است. کسانی که از اشتغال برخوردار نیستند نیز امید به زندگی کمتری را تجربه می‌کنند.

بنابراین، می‌توان به این نتیجه رسید که کسانی که به کار و شغلی دلخواهی مشغولند امید به زندگی بالاتری دارند و به طبع آن کمتر دچار بحران‌ها و خلا وجودی می‌شوند. بر عکس افراد بیکار امید به زندگی کم‌تری دارند و بیشتر در معرض تهدیدهای وجودی و بحران‌ها هستند. جنسیت افراد نیز در این عوامل تأثیر گذار نیست و افراد چه مرد و چه زن اگر به کار و حرفه مناسبی مشغول نباشند هر لحظه امکان این که دچار بحران‌های وجودی و سردرگمی و بی‌معنایی در زندگی شوند وجود دارد. پیشنهاد می‌کنیم که جامعه و مخصوصاً دانشگاه‌ها زمینه مناسبی برای ایجاد اشتغال در بین جوانان و به طبع افزایش امیدواری به آینده تحصیلی و شغلی آنان ایجاد کنند. همچنین تحقیقاتی در زمینه شیوع شناسی بحران وجودی صورت گیرد که تا

کنون به این موضوع مهم پرداخته نشده است. همچنین ایجاد ساختاری در نظام دانشگاهی کشور به جهت بکارگیری دانشجویان در زمینه های علمی - تحقیقاتی توسط اساتید دانشگاه در مقابل کمک مالی به ایشان پیشنهاد دیگری است. از محدودیت های این پژوهش نیز می توان به جامعه آماری یکسان و استفاده از تنها یک نوع ابزار اندازه گیری نام برد.

منابع فارسی

- احمدی و دستغیب. (۱۳۷۳). تأثیر مشاوره گروهی بر بحران و جودی نوجوانان شهر شیراز. هزاروسی، بهرام. (۱۳۸۵). «کاربرد مشاوره گروهی به شیوه معنادرمانی در افزایش امید به زندگی در بیماران مبتلا به سرطان پستان».
- بهروزی، نوروژ و محمدی، نور الله. (۱۳۸۶). بررسی ارتباط بین معنای زندگی و امیدواری در دانشجویان دانشگاه شیراز. چهارمین همایش سلامت روان.
- جمالی، ف. (۱۳۸۱). بررسی رابطه بین نگرش های مذهبی، احساس معنا بخش بودن زندگی و سلامت روان در دانشجویان دانشگاه های تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد. ذوالفقاری، م. (۱۳۸۴). نگاهی به طرح کارورزی فارغ التحصیلان دانشگاهی در برنامه دومین همایش اشتغال و نظام آموزش عالی کشور، دانشگاه تربیت مدرس.
- فرانکل، ویکتور. (۱۹۷۵). انسان در جستجوی معنا. ترجمه اکبر معارفی (۱۳۷۵)، چاپ پنجم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- فرانکل، ویکتور. (۱۹۷۷). فریاد ناشنیده برای معنا، ترجمه تبریزی و علوی نیا (۱۳۸۷)، چاپ دوم، تهران: فراروان.
- قریش، ف. (۱۳۸۷). بررسی میزان امیدواری به اشتغال در آینده دانشجویان رشته های علوم انسانی. مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی) ۶۷-۶۶.
- قوام، م. ملک پور، فر ایمانی. (۱۳۸۳). تأثیر اشتغال دانشجویان دندانپزشکی بر موفقیت تحصیلی بر موفقیت تحصیلی آنان در دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

منابع لاتین

- Feingold, A (1994). Gender differences in personality: A meta-analysis. *Psychological Bulletin*, 116(113), 429.
- Baumeister, R. F., & Vohs, K. D. (2002). The pursuit of meaningfulness in life. *Handbook of positive psychology*, 608-618.
- Brent, D., Rosso, H. K., Dekas, & Wrzesniewski, A. (2010). On the meaning of work: A theoretical integration and review.
- Brief, A. P. (2008). Money and the meaning of work. Paper presented at the All-Academy Symposium: Changing the questions we ask: New directions in the meaning of work, Academy of Management Annual Meeting
- Bruce, A., & Kehr, M. D. (2010). Existential Crisis in Young Adults
- Chimick, W. T., & Nikolaichak, CH. L. (2004). Exploring the links between depression integrity, and hope in the elderly. *Journal psychiatry*, 49: 428-433.
- Diener, E., Suh, E. M., L., R. E., & Smith, H. E. (1999). Subjective well-being: Three decades of progress. *Psychological Bulletin*, 125, 276-302.
- Gallup, G., Jr. (1984). Religion in America. Gallup Report March
- Howell, D. C. (2009). Significance of the Difference Between Two Correlation Coefficients, 2011, from <http://faculty.vassar.edu/lowry/rdiff.html>
- James, K. R. (2005). Crisis intervention strategies Kalantarkousheh, S. M, Hosseini, S M., Ahmadzadeh barabi, S., Motahari S., Baradari E. (2013). Existential Crisis, Life Expectancy and Identity amongst Iranian Students. *Journal of Basic and Applied Scientific Research*. 3(6)1056-1061
- Kalantarkousheh, S. M. (2010). Gender as a Moderator in the Association of Self Acceptance and Autonomy of Iranian University Students. *Journal of Teaching and Education*
- Kalantarkousheh, S. M. (2011). Efficacy of Existential Freedom Training in Marital Satisfaction of Iranian Women. *Australian Journal of Basic and Applied Sciences*, 12(12).
- Kalantarkousheh, S. M. (2012). Manifestation of Existential Issues As a Brilliant Function for Quality of Matrimony. *Journal of American science*
- MacMillan, S. (2009). Towards an Existential Approach to the Meaning of Work. Halifax, Nova social.
- Mascaro, N., & Rosen, D. H. (2005). Existential meaning's role in the enhancement of hope and prevention of depressive symptoms. *Journal of Personality*, 73(4), 985-1014.
- Miles, A. K., & P.L., P. (2011). The Relationship Between Persons "Environment Fit, Control, and Strain: The Role of Ergonomic Work Design and Training. *Journal of Applied Social Psychology*, 41(4), 729-772.
- Norris, J. M., & Wylie, A. M. (1995). Gender Stereotyping on the Managerial Role among Students in Canada and the United States. *Group and Organization Management*, 2, 167-183.

- Olsen, D., Maple, S. A., Stage, F. K., & . (1993). Women and Minority Faculty Job Satisfaction: Professional Role Interest, Professional Satisfaction and Institutional Fit. *Journal of Higher Education, 3*, 267-294.
- Poloma, M. M., & Pendleton, B. F. (1990). Religious domains and general well-being. *Social Indicators Research, . 22*,, 255-276.
- Ranst, N. v., Marcoen, a. A., & (1996). Meaning in Life Of Young and Elderly Adult.. and Examination of The Factorial Validity and Variance of The Life Regard Index.
- Rapaport, R., & Bailyn, L. (1998). Rethinking life and work. Waltham, MA. Pegasus Communications.
- Ryan, R. M., Deci, E. L., Grolnick, W. I., Cicchetti, D., & Cohen, D. J. (.1995). SAutonomy, relatedness, and the self: Their relation to development and psychopathology. Eds. Developmental Psychopathology: Theory and Methods. *New York: Wiley., 1*, 618-655
- Snyder, C. R. (1994). *The Psychology Of Hope: You can get there From Here* New York: Free Press..
- Su, T. J., Chen, Y. C., Chen, H. F., Yang, Y. S., & Hung, Y. T. (2006). Factors Related to Meaning of Life in Taiwanese Women Treated with< i> In Vitro</i> Fertilization. *Journal of the Formosan Medical Association, 105(5)*, 404-413
- Snyder, C.R.(2000).*Handbook of hope* . copyright © by Academic press.
- Simpson, S. (1999). *Validation of the Domain Specific Hope Scale: Exploring*